



تقریر درس خارج فقه الزکاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۷۰	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۲ / ۲۸
عنوان ۱	فقه الزکاة الخاص				
عنوان ۲	زکات الأموال				
عنوان ۳	شرایط وجوب زکات الأموال				
عنوان ۴	مسأله یازدهم عروه: حکم زکات قرض				
عنوان ۵	بررسی جواز نیابت در پرداخت زکات				
عنوان ۶	جواز نیابت در ادای زکات از منظر روایات				
عنوان ۷	بررسی روایات دال بر نیابت حی از حی در اعمال عبادی				
عنوان ۸	تفاوت اهداء ثواب و انجام عمل به نیابت				
عنوان ۹	بررسی مفهوم «بَر و صلة» در روایت				
عنوان ۱۰	عدم خروج صلاة مستحبی از مفهوم «بَر و صلة»				
عنوان ۱۱	نتیجه بحث				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

جواز نیابت در ادای زکات از منظر روایات

طرح مسأله

بحث در این مسأله است که آیا می توان از حکم جواز نیابت مقرض از مستقرض در ادای زکات، به موارد دیگر نیز تعدی کرد؟ به عنوان مثال، آیا شخص ثالثی می تواند به طور تبرعی زکات واجب بر ذمه دیگری را ادا کند؟ به بیان دیگر، اگر شخصی غیر از مقرض، زکات واجب بر دیگری - اعم از مستقرض یا غیر آن - را بپردازد، آیا این عمل مجزی است و ذمه مدیون را فارغ می کند؟

پیش تر بیان شد که برخی با استناد به روایت منصور بن حازم در مورد مقرض و با الغای خصوصیت از آن، قائل به جواز تعدی شده اند. درحالی که روایت مذکور در خصوص مقرض وارد شده و دلالت دارد بر اینکه اگر مقرض زکات مستقرض را پرداخت کند، دیگر بر مستقرض واجب نیست. اما این سؤال مطرح است که آیا می توان با استناد به عدم وجود خصوصیت در مقرض، حکم را به غیر مقرض نیز تسری داد؟ به این معنا که اگر شخص دیگری غیر از مقرض، زکات مستقرض یا به طور کلی زکات شخص دیگری را بپردازد، آیا این عمل مجاز است؟

به نظر می‌رسد تعدی از مورد نص (مقرض) مشکل است؛ مگر آنکه قرینه‌ای بر جواز آن وجود داشته باشد. حال باید دید آیا می‌توان با استناد به روایاتی که در خصوص نیابت حیّ از حیّ در اعمال عبادی و امور خیر وارد شده است، قرینه‌ای بر این تعدی یافت و جواز نیابت در ادای زکات را اثبات کرد؟

بررسی روایات دال بر نیابت حیّ از حیّ در اعمال عبادی

در جلسه پیش، به اجمال به سه روایت از باب ۱۶ از ابواب قضای صلوات در وسائل الشیعه (روایات ۱، ۹ و ۱۶) اشاره شد. این روایات دلالت دارند بر اینکه شخص زنده نیز می‌تواند از جانب شخص زنده دیگر نیابت کند.

❖ **روایت اول:** این روایت که سند آن نیز صحیح است، می‌فرماید:

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ حَيَّيْنِ وَمَيَّتَيْنِ يُصَلِّي عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيَحُجَّ عَنْهُمَا وَيَصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، فَيَزِيدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِرَّهُ وَصَلَاتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱؛

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، این روایت ظهور در جواز نیابت در اعمال مستحبی دارد، نه اعمال واجبه؛ زیرا تعبیر «أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ» دلالت بر اعمال مستحبی دارد. با این حال، می‌توان گفت «بَرِّ بوالديه» می‌تواند به دو صورت انجام شود:

- شخص نماز را برای خود می‌خواند و ثواب آن را به روح پدر و مادر - خواه زنده باشند یا مرده - هدیه می‌کند.
- شخص به نیابت از پدر و مادر یا شخص ثالث دیگر، عمل خیر انجام می‌دهد.

تفاوت اهداء ثواب و انجام عمل به نیابت

ممکن است سؤال شود که تفاوت میان اهداء ثواب و انجام عمل به نیابت چیست؟ در پاسخ باید گفت: اگر ثواب عمل به دیگری اهدا شود، عمل به نیابت از او انجام نشده است؛ بلکه صرفاً دیگری در ثواب آن شریک می‌شود. به عبارت دیگر، ثوابی که از انجام عمل نصیب من می‌شود، به دیگری نیز هدیه می‌شود.

اما ظاهر روایات این است که مراد از «عَنْهُمَا» در عبارت: «يُصَلِّي عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيَحُجَّ عَنْهُمَا وَيَصُومَ عَنْهُمَا» نیابت است؛ یعنی من عمل را به نیابت از پدرم - حتی اگر زنده باشد - برادر دینی، ائمه هدی عليهم السلام یا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف انجام می‌دهم.

بنابراین، با توجه به عبارت: «فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ» (آنچه انجام داد برای آنها نیز حساب می‌شود و برای خودش نیز)، می‌توان از این روایت جواز نیابت در عبادات را استفاده کرد؛ البته در عبادات مستحبی که جواز نیابت در آنها ثابت است.

❖ **روایت دوم:** این روایت را مرحوم سید بن طاووس از کتاب غیاث سلطان الوری نقل کرده است: عن علی بن ابی حمزه قال:

«قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: أَحُجُّ وَأُصَلِّي وَأَتَصَدَّقُ عَنِ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ مِنْ قَرَابَتِي وَأَصْحَابِي؟ قَالَ: نَعَمْ تَصَدَّقُ عَنْهُ وَصَلِّ عَنْهُ وَلَكَ أَجْرُ بَصَلَتِكَ إِيَّاهُ»^۲.

۱. وسائل الشیعه؛ کتاب الصلاة، ابواب قضاء الصلوات، ب ۱۲، ح ۱.

۲. همان؛ ح ۹.

در این روایت نیز تعبیر «عَنْهُ» ظهور در نیابت دارد. هرچند سند این روایت از نظر فنی واجد شرایط صحت نیست؛ اما مؤید روایت قبلی است.

❖ **روایت سوم:** این روایت از نظر سندی نیز صحیح است؛ زیرا حمیری آن را در قرب الإسناد نقل کرده و مرحوم صاحب وسائل نیز از قرب الإسناد حمیری نقل می‌کند: عن عبدالله بن جندب قال:

«كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَجْعَلَ أَعْمَالَهُ مِنَ الْبِرِّ وَالصَّلَاةِ وَالْخَيْرِ أَثَلًا، ثُلَاثًا وَثُلَاثِينَ لِأَبَوَيْهِ أَوْ يُفَرِّدَهُمَا مِنْ أَعْمَالِهِ بَشِيءٍ مِمَّا يَتَطَوَّعُ بِهِ وَإِنْ كَانَ أَحَدُهُمَا حَيًّا وَالْآخَرُ مَيِّتًا؟ فَكَتَبَ إِلَيَّ: أَمَّا الْمَيِّتُ فَحَسَنُ جَائِزٍ، وَأَمَّا الْحَيُّ فَلَا إِلَّا الْبِرَّ وَالصَّلَاةَ»^۱؛

از این روایت استفاده می‌شود که در اعمال مستحبی می‌توان به نیابت از پدر و مادر - حتی اگر زنده باشند - عمل مستحبی انجام داد.

بررسی مفهوم «بر و صله» در روایت

ممکن است از عبارت: «وَأَمَّا الْحَيُّ فَلَا إِلَّا الْبِرَّ وَالصَّلَاةَ» این‌گونه برداشت شود که صله از جواز اتیان نیابتی خارج شده است؛ زیرا در سؤال آمده بود: «يُرِيدُ أَنْ يَجْعَلَ أَعْمَالَهُ مِنَ الْبِرِّ وَالصَّلَاةِ وَالْخَيْرِ». اما به نظر می‌رسد این برداشت، صحیح نباشد.

به‌طور معمول، «بر» بر انفاقات تطبیق پیدا می‌کند. چنان‌که در آیه کریمه: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبَبْتُمْ»^۲ غالباً در زبان عرب وقتی «بر» گفته می‌شود، منظور انفاقات است. به همین دلیل گفته می‌شود «صندوق اعمال البریه»؛ یعنی صندوق کمک‌های مالی. «خیر» نیز اعم از انفاقات مالی است.

«صله» نیز به معنای انجام دادن عملی برای دیگری است؛ مانند انفاق بر پدر و مادر یا انفاق بر دیگری به قصد پدر و مادر. این نوعی صله پدر و مادر است. به‌طور کلی، هر نوع احسانی «صله» به‌شمار می‌رود؛ احسان به دوست صله دوست است و احسان به پدر و مادر صله آنهاست.

اگر به قصد تشویق مؤمنی کار خیری انجام شود، این نیز صله است.

عدم خروج صله مستحبی از مفهوم «بر و صله»

به نظر می‌رسد استثنایی که در این روایت آمده، صله مستحبی را خارج نمی‌کند؛ زیرا در روایت صحیح محمد بن مروان، در مورد صله از پدر و مادر نیز «صله» به‌کار برده شده است: «مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ حَيًّا وَ مَيِّتَيْنِ يُصَلِّي عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيَحُجَّ عَنْهُمَا وَيَصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، فَيَزِيْدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِرَّهُ وَصَلَتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا».

در این روایت، عبارت: «بِرَّهُ وَصَلَتِهِ» بر همان «يُصَلِّي عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيَحُجَّ عَنْهُمَا وَيَصُومَ عَنْهُمَا» تطبیق داده شده است. بنابراین، یا «بر» یا «صله» یا هر دو بر صله منطبق می‌شوند. پس استثنای «بر و صله» در روایت مورد بحث به معنای استثناء صله نیست؛ بلکه صله نیز جزء «بر و صله» ای است که می‌توان به نیابت از حی انجام داد.

۱. همان؛ ح ۱۶.

۲. سوره آل عمران: ۹۲.

به طور خلاصه، مراد از این استثناء (بر و صله)، ظاهراً اعمال مستحبی است. به این معنا که اعمال واجب را نمی توان از طرف حی انجام داد؛ زیرا سؤال این است که «وَإِنْ كَانَ أَحَدُهُمَا حَيًّا وَالْآخَرُ مَيِّتًا» و حضرت می فرماید: «بر و صله» را می شود به نیابت از حی انجام داد و غیر آن را خیر.

با توجه به روایت صحیحۀ محمد بن مروان، این عبارت ظهور دارد در اینکه مراد از «بر و صله» که فرموده است می شود به نیابت از حی انجام داد و می توان برای پدر و مادر زنده انجام داد، شامل صلاة نیز می شود؛ زیرا در آنجا «بر و صله» را تطبیق بر صلاة نیز کرده است.

نتیجۀ بحث

بنابراین، نتیجه می گیریم که از این روایات استفاده می شود اعمال مستحبی مطلقاً، حتی نماز، قابل نیابت از حی است. اگر این مطلب اثبات شود، به یک قاعدۀ کلی می رسیم: حتی نماز را هم می توان به نیابت از دیگری انجام داد. البته نماز واجب با توجه به ادله ای که دلالت دارند بر اینکه خطاب متعلق به خود صدور الصلاة از مکلف است، نه به نتیجه الفعل به اسم مصدری، از این قاعده مستثنی است. به عبارت دیگر، غرض شارع صرفاً تحقق یک نماز در خارج نیست؛ بلکه صدور نماز از خود شخص مکلف مطلوب است. به همین دلیل، در واجبات و در صلاة واجبه و امثال آن نمی توانیم بگوییم که این قاعده، شامل می شود.

در اینجا قاعده این است که از طرف میت و حی می توان اعمال خیر را مطلقاً انجام داد؛ حتی عمل خیری مانند صلاة که شامل زکات نیز می شود. اما باید دید آیا در زکات نیز مانند صلاة، خود صدور عمل از مکلف مطلوب شارع است؟ پیش تر بیان شد که از ادله زکات نیز همین مطلب استفاده می شود: «آتُوا الزَّكَاةَ»^۱ یا «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۲، به این معنا که «تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» زمانی محقق می شود که خود شخص زکات بدهد. به عبارت دیگر، مناسبت حکم و موضوع اقتضا می کند که آنچه مطلوب شارع است و امر به آن تعلق گرفته، خود صدور زکات است؛ خود «زکات دادن» است که «تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» بر آن بار می شود. با این حال، می توان گفت که از روایات استفاده می شود که در عبادات مالی، به ویژه زکات، عمدتاً آن اثر وضعی (تطهیر و تزکیه) مطلوب شارع است، نه لزوماً خود صدور عمل از مکلف.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. سورة بقره: ۴۳، ۸۳ و ۱۱۰؛ سورة نساء: ۷۷؛ و....

۲. سورة توبه: ۱۰۳.